

معرفی و نقد مجموعه مثنویهای «سرداران شهید دفاع مقدس» و

ظرفیت پذیری تازه مثنوی در آنها

دکتر امید مجد^۱

چکیده :

آنچه شعر جنگ و شعر دفاع مقدس نامیده میشود اشعار است که بدلیل ویژگیهای خاص خود نوعی متمایز و ویژه از شعر معاصر بوجود آورده است . بخش عمده ای از این اشعار پس از پایان جنگ و در سمینارها و کنگره‌های بزرگداشت دفاع مقدس سروده شده اند . از جمله این آثار ، مجموعه‌ایست بنام «مثنوی سرداران» که در ده جلد چاپ و بیاد ده تن از شهدای دفاع مقدس سروده شده . این مقاله به معرفی و بررسی و نقد و تحلیل این اشعار و نقاط قوت و ضعف آن میپردازد و به جایگاه جدید مثنوی در شعر دفاع مقدس نیز اشاره دارد .

کلمات کلیدی :

ظرفیتهای مثنوی ، توصیف متن ، نقد بلاغی ، نوآوری .

مقدمه :

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سبک جدیدی در ادبیات فارسی ایجاد شد که با عنوان «ادبیات انقلاب» شناخته میشود . نقطه عطف ادبیات انقلاب ، آغاز دفاع مقدس و

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

info@omidmajd.com

آدرس : تهران ، خ فخر رازی - کوچه شهید فاتحی پلاک ۲ - فصلنامه بهار ادب

۰۹۱۲۱۰۱۱۷۹۳ - ۶۶۹۶۱۶۳۷

ظهور شعر جنگ است که تأثیر ژرفی بر ادبیات انقلاب داشته است. یکی از ویژگیهای بارز شعر انقلاب و دفاع مقدس، رواج قالب غزل با درونمایه های حماسی و عرفانی است؛ که ظرفیتهای نوینی برای غزل آفرید (باقری، ۱۳۷۲، ۲۰). در کنار رواج غزل حماسی باید از تغییراتی که در قالب مثنوی ایجاد شد نیز یاد کنیم. قالب مثنوی به دلیل تنوع قافیه، آزادی بیشتری برای سراینده ایجاد میکند؛ فلذا قالبی است که معمولاً برای سرایش داستان و حکایتهای بلند مورد استفاده قرار میگرفته است، اما از عصر بازگشت منظومه سرائی رو به افول نهاد چنان که در دوران مشروطه و بعد از آن به کمترین تعداد خود رسید. شاید بتوان آخرین منظومه های مربوط به این دوران را «زهره و منوچهر» ایرج میرزا دانست که ترجمه ایست از یک داستان اروپائی و ناتمام. (ذوالفقاری، ۱۳۷۴، ۱۰) و اگر به منظومه های که از قرن دهم به بعد سروده شده بنگریم، میبینیم که حجم مثنویها کوتاهتر و علاوه بر آن زبان آن نیز استعاری و نمادین است و دیگر شاعران مثنوی را صرفاً برای بیان داستان به کار نمیبرند (چون سوز و گداز نوعی خوششانی متوفی ۱۰۱۹، و فرهاد و شیرین عرفی شیرازی متوفی ۹۹۹ که در حدود چند صفحه است و پر شده از صنایع بدیعی و بیان). بدین ترتیب هرچه از زمان سرایش نخستین مثنویها (چون وامق و عذرای عنصری، متوفی ۴۳۱) به این سو پیش برویم، میبینیم که در دوره نظامی و پس از او منظومه سرائی رواج بسیار داشته است. «قرون دهم و سیزدهم به لحاظ کمی و از نظر شماره منظومه ها معادل است با چهار برابر تمام منظومه های قرون گذشته.» (همان، ۴۰) اما پس از آن مثنوی سرائی، به دلایلی که گفتیم، رو به افول نهاد.

در دوره انقلاب، شعرای چندی چون ه. ا. سایه، علی معلم و احمد عزیزی در مثنوی نیز طبع آزمایی کرده اند. مثنویهای این دوره نیز چون قرن سیزدهم بسیار کوتاه و مشحون از مفاهیم عرفانی و غنائی است. خاستگاه نوآوری مثنوی نه تنها در حیطه کلمات و تعبیرات، بلکه در مفاهیم و ساخت آن نیز قابل جستجو است؛ بدین معنا که شعرای انقلاب از مثنوی همچنان به عنوان قالبی برای بیان داستان و زندگی نامه استفاده میکنند، ولی در کنار این داستانگویی مضامین عرفانی و غنایی نیز در مثنوی گنجانده شده است؛ به گونه ای که قالب مثنوی را به لحاظ مضمون بسیار به غزل شبیه کرده است.

مجموعه حاضر که در «گنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه» در سال ۱۳۷۶ چاپ شده گواهی است بر اینکه مثنوی در کنار کارکرد کهن خود - بیان داستان و روایت - محملی شده است برای مضامین و مفاهیم عرفانی و غنایی که این تغییر را در حیطة کلمات و تعبیرات نیز میتوان مشاهده کرد. با نگاهی به منظومه های دهگانه ذیل، به بررسی این تغییرات و معرفی آثار میپردازیم.

۱- عبور از صاعقه:

منظومه ای است سروده حسین اسرافیلی، در حدود چهارصد بیت که بر وزن شاهنامه و درباره زندگی و شهادت شیخ فضل الله محلاتی سروده شده. ابتدای منظومه به شیوه شاهنامه ها با حمد و ثنای الهی آغاز شده:

به نام خداوند جنگ و جهاد که در جان ما خون غیرت نهاد(ص ۹)
و با اشاره به جنگ و جهاد و شهادت، نوعی مقدمه چینی و در اصطلاح بدیع، «براعت استهلال»*(۱) ایجاد کرده است:

خدایی که چون راز هستی نوشت به خون شهادت عجین شد سرشت(ص ۱۰)
و پس از آن به شرح تولد شیخ محلاتی پرداخته است. تنه اصلی منظومه به تقلید از داستانهای کهن فارسی، با شرح خانواده و تولد قهرمان داستان آغاز میشود. منظور از داستانهای کهن فارسی، هر نوع اثر ادبیست (اعم از منظوم و منثور) که جنبه روایی داشته باشد؛ زیرا همانطور که میدانیم پیش از ظهور رمان در ایران به شیوه غربیان، ادبیات روایی فارسی منحصر میشد به حکایت، مثل و داستانهای عاشقانه یا دینی. نوع اخیر دارای پیرنگ واحد و مشابهی است و معمولاً با تولد قهرمان آغاز میشود. (محبوب، ۱۳۸۳، ۵۴۳) ویژگی بارز قهرمان، هوشیاری، زیبایی و داشتن توانائیهائی است که اقران عاری از آن هستند. تولد و نشو و نماى سریع قهرمان از ویژگیهای قصه های عامیانه است و برخی آن را نماد تولد بهار دانسته اند. (فرای، ۱۳۷۷، ۲۳۹) اکثر منظومه ها و داستان های منثور فارسی اینگونه آغاز میشود که پادشاهی در نعمت و فر ایزدی مشغول حکمرانی است و تنها چیزی که عیش او را منغص میکند نداشتن فرزند است؛ تا اینکه خداوند به او فرزندى عطا میکند. در داستانهای چون خسرو و شیرین، امیر ارسلان، همای و همایون، ابومسلم نامه و بسیاری منظومه ها و داستانهای دیگر این بن مایه تکرار میشود. این موتیف (تولد

معجزه آسای قهرمان و رشد سریع و توانائیهای شگرف او (در منظومه «عبور از صاعقه» و البته به دور از بار اساطیری تکرار شده است که نشان‌دهنده ادامه تأثیر داستانهای کهن فارسی بر ادبیات امروز ایران است. در صفحه ۲۶، تولد شیخ محلاتی را اینگونه وصف میکنند که پدر و مادر او هر دو اهل دعا و نماز بودند (که این خود گونه‌ای برجسته کردن محیط زندگی قهرمان است):

پدر الفتش با نماز و دعا در آغاز هر کار ذکرش خدا
در آن خطه کس را به ذکر و نماز به ایمان مادر نبد هم طراز (ص ۲۶)

و پس از تولد، کودکی وصف میشود که به سرعت رشد کرده و علم و ادب را فرا میگیرد:

ز فضل خداوند و مولایشان	یکی کودک آمد به دنیایشان...
پدر فضل و تقوا بیاموختش	به جان شعله حق بیفروختش
بدین شیوه چون سال و ماهی گذشت	به آموزش فقه آماده گشت
سپس تا نگردد ره راست گم	پی علم شد عازم شهر قم (صص ۲۷ و ۲۸)

بدین ترتیب قهرمان داستان در چند سطر رشد کرده و فضایل را کسب میکند. اینک شیخ فضل الله محلاتی را در این منظومه، قهرمان نامیدیم برخاسته از نظریاتی است که تمام شخصیت‌های وارد شده در داستان را تخیلی میداند. به گفته اومبرتو حتی اگر نویسنده نام خود را در داستان بیاورد، باز هم این نام تنها یک شخصیت تخیلی و داستانی است فلذا هیچگاه در داستانی با یک شخصیت تاریخی مواجه نیستیم زیرا به محض اینکه نام آن شخصیت روی کاغذ داستان نوشته شود تبدیل به شخصیتی داستانی میشود. (Mc Hale, ۲۰۱۵, ۲۰۰۱) از این رو ما هم شیخ فضل الله محلاتی را قهرمان منظومه «عبور از صاعقه» نامیدیم.

پس از ذکر تولد محلاتی، به برشمردن وقایع زندگی شهید در پیش و پس از انقلاب پرداخته است که البته گاه با پرگویی و تشبیهات و توصیفات بسیار کار را به اطناب کشانده است. این اثر از اشارات عرفانی نیز چون عهد الست، بلی گفتن و حلاج خالی نیست و گهگاه از تعبیرات نامناسب استفاده کرده؛ مانند این بیت:

بفرمود تا جیش اسلام را به سیلی نوازند صدام را (ص ۴۴)

۲- تجلی عشق:

منظومه‌ایست سرودهٔ محمود شاهرخی که در بحر رمل و در حدود دویست بیت ، در رثای شهید عبدالله میثمی سروده شده است . شاعر منظومه را با توصیف عشق و شورانگیزی و اثرات و جلوات آن آغاز کرده و پس از یک مقدمهٔ سی بیتی به شرح تولد میثمی پرداخته است . بدین ترتیب سنت تولد قهرمان در این منظومه نیز تکرار شده است ؛ ولی مقدمهٔ دفتر که در توصیف عشق سروده شده به کلی خارج از موضوع منظومه یعنی میثمی است و بهتر بود منظومه را با سخن از مرگ و شهادت شروع میکرد تا تأثیر شعر بیشتر شود . مقدمهٔ این دفتر که با ابیاتی از مثنوی مولوی زینت یافته ، در حدود سی بیت از منظومه را گرفته است و شاعر با کمی اطناب و تکرار ، مضامین را تکرار کرده است . تعبیرات و اصطلاحات عرفانی ، این سروده را به ادبیات کلاسیک و عرفانی فارسی نزدیک کرده است ؛ اشارات و تعبیراتی چون : روز الست ، منصور حلاج ، و «قالوا بلی» . از کلمات امروزی و جدیدی چون جمهوری ، ترکش ، انقلاب و کربلای پنج که بگذریم ، زبان اثر کهن و گاه در هنگام وصف جنگهای آن شهید به حماسه نزدیک شده . اصطلاحات شعله در خرمن زدن ، دست افشانی کردن، جانان، بط، شیرشَرزه بیش از پیش زبان اثر را کهن و نامانوس کرده است .

شاعر در هنگام روایت زندگی شهید با سرعت تمام و در چند بیت داستان زندگی او را پی میگیرد و باز به «بلی» گفتن و جام عشق نوشیدن و ... میپردازد و از آن گذشته از بعضی وقایع مهم زندگی شهید ، از جمله شکنجه و حبسهای او ، بدون اشاره‌ای میگذرد و شهادت او را نیز با چند بیت به پایان میرساند :

چون اصابت کرد ترکش بر سرش گشت خوناب شهادت افسرش (ص ۳۵)
باری ، علاوه بر موارد فوق ، گاه ناهمگونیهایی در اثر دیده میشود ، مثلاً شاعر در ابتدای شرح حملهٔ عراق به ایران از سرنگون شدن سروها و داغ گرفتن و جدا شدن غنچه‌ها از گلبن داد سخن میدهد که هیچ تناسبی با مضمون جنگی و حماسی‌ای که در ادامه شرح می‌دهد ، ندارد:

خشم کافر تاخت چون بر این بهار کرد از خون این چمن را لاله زار
داس کین بر گلبنان باغ زد بر دل ما چون شقایق داغ زد
سروها را سرنگون با تیشه کرد چون خزان تاراج باغ و بیشه کرد (ص ۱۹)
و یا مثلاً صدام را دیوانه ای میخواند که از «بادهٔ غرور مست» بود :

مست بود از باده کبر و غرور داده بود از کف از آن مستی شعور(ص ۱۸)
که تعبیری غنایی است و تناسبی با آن بخش از اثر ندارد .

۳- این همه یوسف :

در رثای سرلشکر شهید یوسف کلاهدوز و توسط علیرضا قزوه سروده شده است . این منظومه در بحر هزج وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن سروده شده و ابتدای آن به تقلید از نظامی با مناجات و دعای شبانه آغاز شده است . بعضی ابیات آن مشابه ابیات نخست فرهاد و شیرین و وحشی بافقی است . پس از نظامی و شیوع مثنوی سرائی، شاعران به تقلید از سبک او ، منظومه‌های عاشقانه را با مناجات و یا ساقینامه آغاز میکردند .

علیرضا قزوه، سراینده «این همه یوسف» نیز از این طرز پیروی کرده و چنین سروده است :
الهی ما گرفتاران خویشیم اسیران سراسر دل پریشیم
الهی سینه ای داریم پر سوز تبسم کن در این آیینه یک روز (ص ۸)
بسیاری از ابیات این منظومه به تقلید از نظامی سروده شده :

به نام آنکه هستی نام از او یافت فلک جنبش ، زمین آرام از او یافت
(خسرو و شیرین ، ص ۳)

به نام او که دل را چاره ساز است به تسبیحش زمین مهر نماز است
(این همه یوسف ، ص ۷)

دلی ده کو یقینت را بشاید زبانی کآفرینت را سـراید ...
درونم را به نور خود برافروز زبـانم را ثنای خود درآموز
(خسرو و شیرین ، ص ۲)

چراغی مرده ام دل کن دلم را به بسم الله بسمل کن دلم را
دلم را شعله آه سحر کن مرا در یک دو بیتی مختصر کن
(این همه یوسف ، ص ۹)

پس از این مناجات هفده بیتی، شاعر، باز هم به تقلید از نظامی، ابیاتی را خطاب به ساقی سروده است :

بده ساقی سبویی حال گردان مرا از اهل بیت خود بگردان(ص ۱۰)

این ساقی نامه طولانی حدود پنجاه بیت از منظومه را به خود اختصاص داده است که البته بعضی از ابیات آن خالی از لطف نیست. پس از این مناجات نامه‌های طولانی خواننده انتظار دارد که شاعر به اصل داستان بپردازد و شهادت «کلاهدوز» را شرح دهد ولی چنین نیست و این منظومه یکسره پر شده از مناجاتهای شبانه و تمنای می که در اواخر آن با ذکر نام شهدایی چون چمران، آوینی، زارعی، تجلایی و ... آمیخته شده و در پایان با دمیدن خورشید، منظومه به پایان میرسد!

۴ - سردار سپیداران :

منظومه‌ای است در حدود پانصد بیت، سروده آقای شیرینعلی گلمرادی در رثای شهید محمد بروجردی. ابتدای منظومه با یک غزل و با ردیف «لا اله الا الله» آغاز شده و پس از آن شاعر مثنوی را با ذکر لزوم مرور تاریخ و بیان حق و حقیقت آغاز کرده است. ابتدای تاریخ را با ذکر ظلم و ستم‌های رژیم شاه و با استفاده از زبان ادبی و کهن شروع کرده است. گلمرادی برخلاف شاعران دیگر این مجموعه بجای استفاده از مضامین عرفانی، بیشتر از تلمیح (بر آن سرند که قرآن فراز نیزه کنند، ص ۱۵) و استعاره و نماد استفاده کرده است. استفاده فراوان از استعاره و نماد مثنوی او را به گونه‌ای شعر غنایی و بیان احساس تبدیل کرده است :

چه گویمت که همه رنجامه ام اینست سرود یا که غزل یا چکامه ام اینست (ص ۲۰)

پس از یک مقدمه طولانی درباره طاعوتیان و رژیم شاه، شاعر با استفاده از استعاره های پیاپی و گاه نو به وصف امام میپردازد: فریاد استقامت، صلابت ایمان، مسجد دل، امام خلق، امام ولایت، تب غیرت، تب شور، ضربت سنگین تیغهای صبور، یل بی‌باک عرصه‌های خطر، یل نورانی خداباور، کوه تجلی و .. همه از استعاره‌هایی است که شاعر در وصف امام بکار برده است؛ اما در استفاده از استعاره و تشبیهات فراوان به هنگام شرح زندگی بروجردی روند روایت را کند کرده است و خواننده را با انبوهی از جملات و مضامین تکراری مواجه میکند؛ مثلاً تنها در شرح درگذشت پدر بروجردی، چندین بیت در بیان یک حرف سروده است :

پدر نماند پدر رفت ایل تنها ماند	دل محمد از این داغ ناشکیبا ماند
از آن عزیز که پایان گرفت تقدیرش	فقط سرشک فقط حسرت و دریغا ماند
پرید از سر آن باغسار مرغ امید	حضور باغ به دست خزان یغما ماند... (ص ۳۵)

اگر این اطناب برای قهرمان اصلی داستان بود ، می توانستیم آن را اطنابی نیکو و بجا بدانیم اما چنین اطناب و پرگویی برای یکی از شخصیت‌های فرعی داستان کاملاً نابجا و ممل است . البته به عقیده برخی ، موضوع همواره محملی است برای آفرینش ادبی ؛ لذا مهم نیست که شاعر چه میگوید ، بلکه مهم آن است که چگونه میگوید . «هدف شعر در خودش است ، به خاطر خودش ارزشمندست و ارزش ذاتی دارد ... شعر میتواند ارزش آجلی نیز به عنوان وسیله ای برای فرهنگ یا دین داشته باشد ... لیکن ارزش آجل آن نه در ارزش شاعرانه آن به عنوان تجربه ای ارضا کننده و تخیلی است و نه به طور مستقیم میتواند تعیین کننده آن ارزش باشد .» (ریچاردز ، ۱۳۷۵ ، ۶۱)* (۲) اما در ادب پایداری که در بطن خود ایدئولوژی خاصی دارد و هدف آن القا و انتقال آن ایدئولوژی به مخاطب است ، نمیتوان نظریه «هنر برای هنر» یا «شعر برای شعر» را درست دانست . ادبیات پایداری در حیطة «هنر برای جامعه» قرار میگیرد نه «هنر برای هنر» .

۵- هفت بند التهاب :

منظومه‌ای از عباس مشفق کاشانی در ششصد بیت که با تضمین ابیاتی از عطار آغاز شده است . منظومه به تقلید از منظومه‌های کهن با حمد و ستایش الهی و سخن در آفرینش زمین و افلاک و خلقت آدم و «نفخت فیہ من روحی» آغاز شده و پس از آن به شیوه کتب تاریخی کهن به شرح تاریخ از دوره نوح علیه السلام پرداخته است و با اطنابی ملال آور دوران هر کدام از پیامبران اولوالعزم را شرح داده تا اینکه میرسد به زمان پیامبر اسلام (ص) و جالب اینجاست که در حالی که پنجاه بیت را به دوره حضرت موسی (ع) اختصاص داده است ، زندگی ائمه دوازده گانه (ع) را تنها در حدود بیست بیت خلاصه کرده و روایت را به سرعت به پایان رسانده است بطوریکه هریک از امامان را در دو بیت وصف کرده :

بعد او کاظم چو از مادر بزاد	در مصائب صبر را بنیان نهاد
گوهر از گنجینه حق یافته	از جنیبتش نور ایمان تاخته
کوکب هشتم علی موسی الرضا	نور کاظم چلچراغ رهنما
تا جواد آمد گل آمد گل به بار	خرمی آورد در باغ بهار ... (صص ۴۱ و ۴۲)

که البته هیچ کدام از این تواریخ ارتباطی به موضوع منظومه - که در عنوان آن نوشته «منظومه‌ای در رثای سرلشگر شهید حسن باقری» - ندارد . پس از آن به ذکر

دوران طاغوت پرداخته و با استفاده از استعارات بسیار و گاه غریب آن دوران را وصف کرده :

گاوریشان را یکی گوساله داد توله شیطانی از آن گوساله زاد(ص ۴۳)
پس از ذکر دوران طاغوت و قیام امام ، از میانه منظومه به ذکر زندگی شهید باقری میپردازد و همانگونه که پیش از این نیز گفتیم ذکر زندگی قهرمان معمولاً از بدو تولد او آغاز میشود و البته هر جا که بستر و بافت داستان گنجایش داشته ، به مضامین عرفانی پرداخته و شعر را با صنایع ادبی و تشبیهات بسیار انباشته است .

۶- نی نامه :

سروده رضا اسماعیلی در رثای احمد متوسلیان که مانند چند منظومه دیگر این مجموعه (مانند مهتاب کردستان) نوعی مناجات شبانه است که شاعر در حین راز و نیاز ، از شهیدان یاد میکند و از آنها میخواهد که او را نیز به مقامات بلند برسانند .
شب است و من و بوی عشق و خدا شب است و من و یک تبسم دعا(ص ۱۱)
این منظومه نیز مانند دیگر آثار ادب پایداری رابطه خود را با آرمانهای اسلام و تشیع حفظ کرده است و همواره آرمان شهر خود را در زمان حسین علیه السلام می جوید . شاید بتوان گفت بسامد واژه هایی چون کربلا ، محرم ، عاشورا ، حسین علیه السلام ، اکبر و علمدار در این شعر بیش از نمونه های دیگر این مجموعه است .
هرچند مقدمه منظومه با مناجاتی شبانه آغاز شده ولی کاربرد واژه هایی چون سرخ ، جنون ، خطر ، خون ، تکبیر و ... بستر منظومه را برای شرح شهادت «متوسلیان» فراهم کرده است. شاعر شهید را چون ساقی می انگارد که به دوستداران خود می مینوشاند :

دلاور بیا باز هم می بده به ما جرعه ای «بشنو از نی» بده (ص ۱۵)
و به این ترتیب این منظومه به کلی از مضامین حماسی و جنگی خالی است و بیش از پیش رنگ عرفانی بخود گرفته . اشارات فراوان به نی و نیستان و می :
دل ما نیستان خاموش و سرد بدم در نیستان ما روح درد
در این نی بدم تا بنالد غریب بچیند شبی بوی «امن یجیب»(ص ۱۵)
و همچنین تضمین ابیات مولوی گواه تمایلات عرفانی شاعر است .

۷- آن همیشه سبز:

مثنوی است سروده پرویز بیگی حبیب‌آبادی در رثای حاج محمود ابراهیم همت که در بحر متقارب سروده شده. ابتدای منظومه به شیوه منظومه های عاشقانه گذشته (این همه یوسف) با مناجات به درگاه الهی آغاز شده:

الهی به آنها که پر پر شدند
پر از زخمه های مکرر شدند (ص ۹)
و پس از یک سوگندنامه طولانی صد و ده بیتی با ساقی مناجات میکند.
علاوه بر این سوگندنامه یا ساقی‌نامه که مشحون است از اشارات تاریخی به جنگ
تحمیلی و زندگی شهید همت، در سراسر منظومه نیز مضامین غنایی که بیانگر
احساسات شاعر است، فراوان به چشم میخورد:

دو جرعه می سرمدی خوشتر است ز خمخانه احمدی خوشتر است (ص ۱۲)
به تنهایی و شعر خو میکنم برای دلیم گفتگو میکنم (ص ۲۴)
فی الواقع شاعر - مانند دیگر شاعران این مجموعه - از قالب مثنوی و وزنی حماسی
برای بیان مضامین غنایی و عاطفی استفاده کرده است و نوعی غزل مثنوی ساخته
است. خود سراینده نیز به غزلگونه بودن مثنوی خویش اذعان دارد:
غزل نیست این سوز و ساز من است که از زخم و گل پینه آستن است (ص ۲۶)
نام شهید همت به شاعر این توان را داده که در حوزه بیان و بدیع هنرنمایی کند:
جناس:

دلیم گفت باید که همت کنی ز همت براریم حکایت کنی (ص ۲۶)
ایهام:

تو پیش از شکفتن هوایی شدی عجب همتی! کربلایی شدی (ص ۲۹)
تو با کربلا خلوتی داشتی تو در عاشقی همتی داشتی (ص ۳۰)
نکته قابل توجه دیگر تکرار بن‌مایه‌های مربوط به عاشورا و کربلاست که به دلیل بار
حماسی و عاطفی آن همواره در ادب پایداری جلوه و نمود داشته است:

تو با کربلا خلوتی داشتی تو در عاشقی همتی داشتی (ص ۳۰)
دلست اینکه شورش حسینی ترست همواره حضورش حسینی ترست
دلست اینکه خیبرگشایی کند تو را عاشقی نینوایی کند (ص ۲۵)

۸ - مهتاب کردستان :

منظومه ایست نسبتاً کوتاه (حدود دویست بیت) سرودهٔ منیژه درتومیان که به تأثیر از نی‌نامهٔ مثنوی سروده شده. اشارات عرفانی فراوان تأثر شاعر از مولوی را تأیید میکند :

شمس مولانایی من، روح ما را شانه کن دست دل را، آشنا با بادهٔ میخانه کن (ص ۷)
شمس من، با زخمهٔ جانم بیا تازی بزن من که منصوری ترینم در دلم داری بزن (ص ۸)
کاربرد اصطلاحاتی چون شرحه شرحه (ص ۹) و پیر چنگی (ص ۷) نیز مؤید این سخن است. با آنکه این منظومه در قالب مثنوی سروده شده ولی مضامین، زبان و موضوع آن غزلگونه است و آنگونه که در منظومه های دیگر دیدیم با روایت و حماسه سر و کار نداریم. این منظومه مانند یک قصیدهٔ بلند با تغزل و سخن از عشق که مملو از اشارات عرفانی و تلمیح است، آغاز میشود و سپس با یک بیت (تخلص) به تنهٔ اصلی شعر که وصف شهید ناصر کاظمی است، می پردازد :

«کاظمی» گفتم خدایا روح من آتش گرفت یوسفی با زخمهای پیرهن آتش گرفت (ص ۱۲)
از نکات قابل توجه در این منظومه استفاده از صنعت تکرار است؛ بدین معنا که شاعر در یک بیت واژه‌ای را به کار میبرد و سپس همین واژه در ادبیات بعدی دستمایهٔ ایجاد مضمون میشود؛ یک واژه در ذهن شاعر مضمونها و تصاویر جدید را تداعی میکند :

جبهه اینجا بوی یاران اباذر میدهد بوی خون تازهٔ حلق برادر میدهد
جبهه یعنی تیرهای استجابت بر هدف جبهه یعنی عاشقان ذوالفقاری صف بصف
جبهه یعنی نور، یعنی عشق، عشق منجلی جبهه یعنی یاعلی و یاعلی و یاعلی ... (ص ۲۱)
و یا :

کوچه کوچه سنگر عشقست و جانبازان عشق کوچه کوچه جبهه و گردان و سربازان عشق
کوچه کوچه نام سرداران و جانبازان دل کوچه کوچه انجمنهای غزل سازان دل (ص ۲۷)

ردیف که خود از مصادیق تکرار است، در ایجاد موسیقی نقش مهمی ایفا کرده است و علاوه بر آن ترکیباتی چون لاله لاله، کوچه کوچه و مست مست که از ترکیب دو کلمهٔ هم‌تا ساخته میشود نیز از تأثیر موسیقایی خالی نیست. در کنار تعبیرات مبهم و نامناسبی چون «از دل آینه ها مردان عاشق میچکد» (ص ۱۱) شاعر توانسته است

با استفاده از ترکیب واژه‌ها، تعبیرات جدیدی چون استجابت‌خانه (ص ۳۱)، جنون‌آباد (ص ۲۹) و شهیدستان (ص ۱۹) بسازد.

۹- پرواز از شلمچه :

سروده شیرینعلی گلمرادی که مانند بسیاری از منظومه‌های ادب پایداری نوعی غزل - حماسه است. منظومه با بیان عشق و می و میخانه و وابسته‌های آن آغاز و با استعاره‌ها و صنایع ادبی پرورده میشود. این منظومه بر خلاف برخی انواع این مجموعه (چون عبور از صاعقه) که روایت‌گونه است، تنها به وصف و پرورش احساسات غنایی و گاه حماسی درباره جنگ و رزمندگان پرداخته و تنها در یک بیت به تولد قهرمان (یدالله کلهر) اشاره کرده است.

از تباری پاک کلهر زاده شد همنشین خلوت سجاده شد (ص ۲۸)
همانطور که گفتیم بسیاری از اشعار جنگ مجموعه‌ای است از غزل و حماسه (غنایی-پهلوانی). در این منظومه نیز هر دو نوع یافت میشود. گاه سخن سراینده - مخصوصاً در هنگام وصف جنگ و رشادت - کاملاً رنگ و بوی حماسی میگیرد :

پهلوانانند مردان نبرد بی تکلف بی محابا مرد
این یکی از شهریاران آمده بر مصاف دیو و شیطان آمده
پیش از اینها دشمن طاغوت بود در پی افکندن طاغوت بود (ص ۲۶)
و گاه - که البته بیشتر ابیات منظومه را در بر میگیرد - در قالب مثنوی مضامین غنایی، چون عشق، مستی و جانبازی را بیان میکند. در این بخش، بسامد تصویر شعری بالا می‌رود و شاعر از استعاره و تشبیه فراوان استفاده کرده است: نظم رویش در کتاب بیسه‌ها، صورت آینه‌ها، جبین خاک، نکهت توحید و البته کاربرد اسنادی مجازی نیز کم نیست: عشق بر گردن حمایل آمده است، مرگ اینجا زخم کاری خورده است، انفجار بغض دریا دیدنیست، و دهها مورد دیگر.

۱۰- یاد یاران :

سروده حمید سبزواری که به شیوه قصاید بلند با تشبیب و تغزل آغاز میشود؛ بدین معنی که ابتدای منظومه با یاد جوانی و حسرت بر گذشتن آن آغاز میشود و با اشاراتی بیاد «مرغ»‌های از دست رفته، به موضوع اصلی منظومه (رثای شهید محمد تقی رضوی) گریز میزند :

ای جوانی رفتی و یادت به خیر صبح روشن باغ آبادت به خیر
و پس از آن از شهادتی چون همت ، بروجردی ، رستگار ، کلهر و دیگران یاد میکند
همانطور که میدانیم شعر پایداری دو وجه دارد : پیروزی و شهادت . هر کدام از این دو وجه موجد
نوعی شعر با خصائص و واژگان خود است . پیروزی ، سازنده اشعار حماسی با نمادهای پهلوانی و
جنگی است و وجه شهادت دربردارنده سوگ و تعزیت (رحمدل ، ۱۳۷۰ ، ۲۰۵) «یاد یاران»
دربردارنده اشعاری در هر دو حوزه سوگ و حماسه است . نمادها و استعاره های
شایع شعر جنگ برای شهید چون سرو و صنوبر ، کبوتر ، نخل های سوخته ، مرغ
عشق آموخته ، لاله و شقایق ، پرورنده سوگ سروده است :

من غم سرو صنوبر دیده ام کوچ صد فوج کبوتر دیده ام
دیده ام من با دلی افروخته کاروانها نخلهای سوخته (ص ۱۰)
و در مواردی که شاعر قصد دارد رزمندگی و دلیری شهدا را وصف کند از واژه
هایی چون یل ، دریادل ، گرد ، نبرد ، رزم ، موج و ... بهره میبرد تا بار حماسی و
جنگی شعر را افزایش دهد . از دیگر عناصری که بار حماسی شعر را افزایش میدهد ،
اشاره به واقعه کربلا و عاشورا است که همواره در شعر و ادب پایداری تکرار میشود .

خصایص کلی مجموعه :

زبان :

منظومه های یاد شده با وجود اختلافات جزئی که در زبان و طرز بیان آنها دیده
میشود ، دارای مشترکات فراوانی هستند که موجب میشود همگی آنها را در یک
مجموعه بزرگتر - یعنی ادبیات جنگ - رده بندی کنیم . شعر امروز در حیطه زبان
دارای سه ویژگی مهم است که این سه ویژگی را می توان در ده منظومه مذکور
مشاهده کرد : ۱. شکستن نرم و زبان معیار از لحاظ لغوی ؛ ۲. باستان گرایی
(استفاده از واژه ها و نحو گذشته)؛ ۳. تأثیر و تأثر از ساختمان و معماری عبارتهای
زبان گفتار (علی پور ، ۱۳۷۸ : ۷۷) . اینها سه ویژگی مهم زبان شعر معاصر علی
الخصوص شعر پس از انقلاب است که کم و بیش در این مجموعه بچشم میخورد . پر
بسامدترین این سه ویژگی در این مجموعه ، باستان گرایی است که بیشتر در حوزه
واژگان کهن نمود پیدا میکند . واژه هائی چون میگسار ، باده ، عهد الست ، داستان ،

دلبر و اصطلاحاتی چون شعله در خرمن زدن (تجلی عشق ، ۱۰)، دل پریش (این همه یوسف ، ۸) و همچنین کاربرد افعالی کهن چون «نیم»: من نمیدانم چرا مجنون نیم (یاد یاران ، ۳۸) ، و نوعی فعل نیشابوری* (۳): موج خیز عشق طوفان زاستی / جان شکار بی کران دریاستی (تجلی عشق ، ۱۰) همه گواه نوعی باستانگرایی است که البته در همه موارد دلنشین و مناسب نیست و بیش از آنکه آشنائی زدائی و یا باستانگرایی باشد ، نوعی تقلید خام از زبان قدماست .

یکی از نکات شایان توجه در این مجموعه، شروع مصراع یا بیت است با واو عطف :

و گاهی تفنگ شهامت به دوش	شهادت پذیر و شهادت خروش (عبور از صاعقه، ۲۴)
و ما در خرابات «من» مانده ایم	در این غربت آباد تن مانده ایم (نی نامه ، ۱۵)
به رنگ کویر است تنهائیم	و تنها نگاه افق با من است (آن همیشه سبز، ۲۶)
دل است این که آتشفشانی ترست	و زخمیترین حرف این دفترست (همان ، ۲۴)
سحر ز جاده خورشید سنگ برمیداشت	و دست کودک من هم تفنگ برمیداشت (سردار سپیدان، ۴۵)
پی نشانه یاری که بود و بی ما بود	و همجواری مزار شریف مولا بود (همان ، ۳۷)

و دهها مورد دیگر . برخی با توجیه بسیار بعید پنداشته اند این واو تحت تأثیر ترجمه های فارسی کتاب مقدس به وجود آمده است !! «ساختار عبارتهای کتاب مقدس عهد عتیق که سالها ترجمه فارسی آن مورد مطالعه شاعران امروز بود ، در شکل گیری بخشی از ساختارهای زبانی شعر امروز بویژه شیوه شروع کردن شعر یا مصراع با «واو» عطف آغاز تأثیر داشته است . (علی پور ، ۱۳۷۸ ، ۱۶۱) . ولی به نظر میرسد این واو بیش از آنکه تأثیر ترجمه کتاب مقدس باشد ، برای تکمیل وزن در آغاز بیت گنجانده شده که نشانه ناتوانی شاعر در انتخاب واژه های مناسب برای وزن است .

بینامتن بودن Intertextuality :

بینامتن بودن از مباحث مطرح شده توسط فرمالیستهای روس است . طبق نظر آنها هیچ متنی ابداع نویسنده یا شاعر نیست بلکه هر متنی در انگاره ها و تصاویر خود – آگاهانه یا ناآگاهانه – تحت تأثیر متون پیش از خود است ؛ و حتی به گمان ساختگرایان، ادبیات شبکه ای درهم تنیده است که متون ادبی رشته های آن هستند (Mc Hale , 2001 : 56) ؛ لذا هرگاه که با متنی مواجه شویم ، فی الواقع با کل ادبیات مواجه شده ایم اما بینامتن بودن جز این معنای کلی ، معنای خاص تری نیز

دارد و آن عبارتست از استفاده مستقیم شاعر یا نویسنده از متون پیش از خود که معمولاً این کار را از طرق مختلف چون تضمین ، تلمیح ، اقتباس ، جوابیه ، یا نقد و هجو انجام میدهد . بینامتن بودن به این معنا ، در ادبیات پس از انقلاب ، سازنده بسیاری از مضامین و ایماژهاست که از آن جمله تضمین و تلمیح در پیوند متن با گذشته نقش مهمی ایفا میکند . گنجاندن اشعار عرفانی ، (به ویژه اشعار مولانا و عطار) به وفور در منظومه‌های دهگانه مذکور مشاهده میشود و این کار چنان به افراط کشیده شده که حدود یک سوم منظومه را میگیرد ؛ از آن گذشته تلمیح به واقعه عاشورا و حوادث صدر اسلام (چون قرآن بر نیزه زدن) از مضامین شایع شعر جنگ و به طریق اولی اشعار این مجموعه است .

غزل - مثنوی :

منظومه‌های این مجموعه همگی در قالب مثنوی سروده شده است . قالب مثنوی بدلیل تنوع قافیه و آزادی بیشتری که برای شاعر فراهم می آورد، از گذشته های دور مورد توجه داستان سرايان و شاعران حکایت گوی بوده است و اکثر مثنویهای معروف زبان فارسی حالت روایی و داستانی دارند (چون خسرو و شیرین ، شاهنامه ، ویس و رامین و ...). در محدوده سالهای ۵۷ تا ۶۹ نیز مثنوی تنها زمینه ای مناسب برای بیان روایی- حکایت گونه یا خطابی- برخوردار از نحو امری ، بدست میداد.(باقری ، ۱۳۷۲، ۱۲۳) ولی در مجموعه ما دو نوع مثنوی را میتوان از هم تفکیک کرد : نوع اول همان سنت داستانگوئی و روایت‌گونگی را حفظ کرده و از قالب مثنوی برای بیان و شرح زندگی و رشادتهای شهدا استفاده کرده است که البته به دلیل استفاده از صنایع ادبی فراوان و افراط استفاده از تشبیه و استعاره گاه در روند روایت اخلال ایجاد کرده و موجب سرخوردگی خواننده میشود . اصولاً هرگاه خواننده یا شنونده با داستانی مواجه شود ، تنها میخواهد بداند که «بعد چه خواهد شد» و دیگر برای خواننده مهم نیست که صدام «توله شیطان» بود یا دیو یا هر موجود دیگر! در منظومه هایی چون «عبور از صاعقه» ، «هفت بند التهاب» (که داستان را از ابتدای رسالت حضرت نوح علیه السلام آغاز کرده!) و «سردار سپیدان» و «تجلی عشق» با چنین ساختارهای نامناسبی مواجهیم .

نوع دوم مثنویهایی است که در غالب مضامین غنایی و عاطفی سروده شده و معمولاً بصورت نوعی مناجات شبانه است که شاعر با یادکرد از شهدا و رشادتهای آنان ، از خدا میخواهد که او را نیز به چنان مقامهائی برساند . این مثنویها به جای مضامین

حماسی و پهلوانی به سوی عرفان و جنبه‌های غنایی میل کرده است و همین امر باعث شده که شاعر بتواند در میانهٔ مثنوی، غزل‌های فراوان بگنجاند بطوریکه خواننده گاه متوجه تغییر قالب شعر نمیشود. اصولاً غزل رایج‌ترین قالب شعرای نسل انقلاب است (باقری، ۱۳۷۲، ۱۹) و شاید همین امر موجب شده که مثنوی در کنار حفظ جنبه‌های روایی و داستانی خود برای بیان مضامین غنایی و غزل نیز مورد استفاده قرار گیرد.

شعر انقلاب ترکیبی است از عشق و حماسه، شهادت و ایثار و کربلا تجلی‌گاه و آرمانشهر این مفاهیم است. شاید بتوان گفت عاشورا مهمترین موضوع تکرار شده در اشعار پایداری است. اصولاً واقعهٔ عاشورا بیش از آنکه جنبهٔ حماسی داشته باشد، یادآور سوگ و تعزیت است و گریزهای فراوان به عاشورا و کربلا نیز یکی از دلایلی است که مثنوی (در این مجموعه) را به سوی مضامین غنائی و عاطفی، تغییر داده است. از دیگر دلایل این تغییر، عرفان و علاقهٔ شعرا به سنت‌های عرفانی و ادبی گذشته است که نمونه‌های آن را در تضمین اشعاری از مولوی و عطار دیدیم.

لغات و ترکیبات

در کنار ساخت واژه‌های جدیدی چون «گل‌زخم» (نی‌نامه، ۲۷) یا شهیدستان (مهتاب کردستان، ۱۹) باید از استعاره‌های نو و گاه غریب این مجموعه یاد کرد که گاه موجب ابهام و دشواری فهم شعر شده. این ترکیبات استعاری یا از طریق وصل کردن دو کلمه به هم ساخته میشود:

در ترازوی عدالت خانه‌ها	عدل تو، دادار تو، میزان توئی (پرواز از شلمچه، ۱۰)
السلام ای روشنای جسم و جان	مریمستانهای تو آوازه خوان (همان، ۱۸)
... نظم رویش در کتاب بیشه‌ها	(همان، ۱۰)
و یا از طریق اسناد مجازی* (۴):	
آن طرف ظلمت به پیکار آمده	این طرف غیرت به پیکار آمده (همان، ۲۳)
... بیا خون بکاریم تا لاله هست	(نی‌نامه، ۲۴)
شب که میشد از دعاها مان شقایق میچکد	(مهتاب کردستان، ۱۱)
صد افق خورشید می‌رویید از اندیشه ات	(همان، ۱۷)

در مجموعه لغات این مجموعه که نمونه‌ای است از ادب پایداری، باستانگرایی کاملاً نمود دارد. باستانگرایی در حیطة لغات یعنی کاربرد واژه‌هایی که در زبان روزمره و عادی بکار نمی‌رود. و همین غرابت واژه‌هاست که زبان شعر را از زبان کوچه و بازار متمایز میکند. در حین برشمردن منظومه‌ها به برخی از این واژه‌های کهن اشاره کردیم. حال می‌گوییم این باستانگرایی گاه در نحو جمله نیز نمود پیدا کرده است و زبان شعر را بیش از پیش به زبان شعر کهن فارسی نزدیک میکند؛ مانند کاربرد حروف اضافه‌ای که دیگر بکار نمی‌رود: از بهر: فرصتی از بهر دیدار آورم (پرواز از شلمچه، ۱۳) و یا فعل آغازیدن: بر آن سرم ز محمد سخن بیاغزم (سردار سپیدان، ۳۴)، استعمال فعل نهادن: باز آن آزاده با یاران خویش / پای در میدان حق بنهاد پیش (یاد یاران، ۲۴) و موارد بسیار دیگر که نشان‌دهنده پیوند شعر امروز با سنت‌های شعری گذشته است.

نتیجه‌گیری:

مجموعه مثنویهایی که با نام «مثنوی سرداران» در بزرگداشت سرداران شهید سپاه در ده جلد چاپ شده است بخشی از ادبیات دفاع مقدس است که حُسن آن از لحاظ فکری پاسداشت ارزشها و کرامتهایی است که دهها هزار شهید را برای استواری خود، پروراند است، اما این مجموعه از لحاظ ادبی ویژگیهای زیر را دارد:

- ۱- تمام اشعار این مجموعه در قالب مثنوی است. از میان ده مثنوی، چهار مثنوی در بحر رمل، چهار مثنوی در بحر متقارب و دو مثنوی در بحر هزج سروده شده است.
- ۲- هیچ کدام از مجموعه‌ها، به مضمون اصلی خود که ذکر شهید مربوطه باشد نپرداخته‌اند و به جای آن به مناجات، سخن با ساقی، ستایش می، ذکر عاشورا و مدح امام راحل (ره) پرداخته‌اند.
- ۳- نوعی تصنع در تمام اشعار به چشم می‌خورد و شبیه شعرهای سفارشیند. به عنوان مثال پرویز بیگی حبیب‌آبادی که افسر نیروی هوایی ارتش است و حتی یک روز با شهید همت از فرماندهان نیروی زمینی سپاه هم همسنگر نبوده، چگونه میتواند از سویدای دل برای او مرثیه‌سرائی کند!؟
- ۴- اشعار از لحاظ زبانی، زبانی سرگردان بین زبان کهن و معاصر دارند. از افعالی کهن چون طوفان‌زاستی تا اصطلاحاتی امروزی چون «حضرت عباسی».

- ۵ - بندرت تشبیهات و مفاهیمی جدید خلق شده‌اند .
- ۶ - اطناب ممل از مهمترین ویژگیهای ادبی این آثار است .
- ۷ - توسع کارکرد مثنوی نسبت به گذشته از ویژگیهای شعر این دوره است ، به این معنا که شعرای دفاع مقدس مثنوی را که پیش از این عمدتاً در خدمت روایت بوده است به محملی برای بیان عواطف تبدیل کرده اند .

یادداشتها :

- ۱ - «براعت در اصل به معنی تفوق و برتری و استهلال بمعنی نخستین آواز کودک است در هنگام زادن و مجازاً به معنی سرآغاز و مقدمه‌ای است که با کلمات و مضامینی شروع میشود که با اصل مقصود تناسب داشته باشد.» (همایی، ۱۳۷ ، ۳۰۳)
- ۲ - ریچاردز سخنان مذکور را از قول دکتر بردلی از طرفداران نظریه «هنر برای هنر» نقل میکند و خود به هیچ وجه این نظریه را نمیپذیرد و آن را نظریه ای «بطور قاطع و زیان آوری فرسوده» میخواند (ریچاردز ، ۱۳۷۵ ، ۶۰) .
- ۳ - در خصوص افعال نیشابوری (رک بهار ۱۳۷۶ . ج ۱ . ص ۳۸۴).
- ۴ - اسناد مجازی ، اسناد فعل به فاعل غیر حقیقی یا اسناد صفتی غیرمتعارف به موصوف و به طور کلی اسناد غیر طبیعی و غیر متعارف مسند به مسند الیه است.

فهرست منابع :

- ۱- اکبری ، منوچهر . شعر انقلاب اسلامی و تحلیل آن تهران : سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ، ۱۳۷۱ .
- ۲- اسرافیلی ، حسین. عبور از صاعقه. تهران : کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه . ۱۳۷۶ .
- ۳- اسماعیلی، رضا، ۱۳۷۶ . نی نامه . تهران : کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه . ۱۳۷۶ .
- ۴- باقری ، ساعد . شعر امروز . پژوهشی مبتنی بر مجموعه شعرهای منتشر شده . تهران : انتشارات بین المللی الهدی . ۱۳۷۲ .
- ۵- بهار ، محمد تقی . سبک شناسی . تاریخ تطور نثر فارسی . انتشارات مجید . ۱۳۷۶ .

- ۶- بیگی حبیب آبادی، پرویز. آن همیشه سبز. تهران: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه. ۱۳۷۶.
- ۷- در تومیان، منیژه. مهتاب کردستان. تهران: بزرگداشت سرداران شهید سپاه. ۱۳۷۶.
- ۸- ذوالفقاری، حسن. منظومه های عاشقانه ادب فارسی. تهران: نیما. ۱۳۷۴.
- ۹- رحمدل، غلامرضا. حماسه در شعر انقلاب. قم: انتشارات سمت. ۱۳۷۰.
- ۱۰- ریچاردز، آی. ا. اصول نقد ادبی. ترجمه سعید حمیدیان. تهران: علمی و فرهنگی. ۱۳۷۵.
- ۱۱- سبزواری، حمید. یاد یاران، تهران: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه. ۱۳۷۶.
- ۱۲- شاهرخ، محمود. تجلی عشق. تهران: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه. ۱۳۷۶.
- ۱۳- علی پور، مصطفی. ساختار زبان شعر امروز، تهران، فردوس، چاپ اول. ۱۳۷۸.
- ۱۴- فرای، نور تروپ، تحلیل نقد. ترجمه صالح حسینی. تهران، نیلوفر.
- ۱۵- قزوه، علیرضا. این همه یوسف. تهران: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه. ۱۳۷۶.
- ۱۶- گلمرادی، شیرینعلی. سردار سپیداران، تهران: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه. ۱۳۷۶.
- ۱۷- گلمرادی، شیرینعلی. پرواز از شلمچه. تهران: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه. ۱۳۷۶.
- ۱۸- ماهیار، عباس. عروض فارسی. تهران. چاپ هشتم. قطره. ۱۳۸۵.
- ۱۹- محجوب، محمد جعفر. ادبیات عامیانه ایران. تهران: چشمه. ۱۳۸۳.
- ۲۰- مشفق کاشانی، عباس. هفت بند التهاب. تهران: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه. ۱۳۷۶.
- ۲۱- نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف. خسرو و شیرین، تصحیح و حید دستگردی. تهران: قطره. ۱۳۸۳.
- ۲۲- نوعی خوبشانی. سوز و گداز. تصحیح امیر حسین عابدی. تهران: جاویدان. ۱۳۴۸.
- ۲۳- همایی، جلال الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: چاپ سیزدهم. هما. ۱۳۷۶.
- منابع انگلیسی:

- 1

- **Mc Hale , brian ,2001 , Postmodernist Fiction , Londen ,Routledge .**